

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه‌ی کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره

۴ شنبه ۸ فروردین ۱۳۲۴

تک شماره ۴ ریال

آغاز سال نو

چند روز تعطیل سبزی شده.
سال مراسم نوروز در تهران، در محیط آژانس و با وضعی
و جایگاهش از زوال قبل برخوردار شد.

بر خلاف سال گذشته که جز اسرودگی و دلالت چیزی از تالیها
استیضاب نشیده، امسال مردم اندک‌کی خاد بوده زیرا بزرگ‌مدن
ملح و خانه بافتن نیک، چه تکثیر تانیرات قال ملا، معضای در وضع
بلا و در منزل اجناس داشته و از اینرو مردم امسال خود را بیشتر در
خانه میدهند.

مردم از پیر و جوان، زن و مرد، کوچک و بزرگ هر روز
فر خیابانهای پایتخت برای دید و بازدید در دوستان و اقوام در گردش
بودند. کثرت وسایل نقلیه هم بنوع خود یکی از موهبت‌های خرسندی
مردم بود.

تعطیل مجلس، ادارات دولتی و روزنامه ها هم مردم را چند
روزی از فکر اخبار داخله و خارج و مجلس و دولت گذارده
بود. فقط آنان که برادری دسترس داشتند از زنده اخبار مطلع
بودند ولی از وضع دولت و تصمیم مجلس نیز اشخاصی که تماس
فرونگ داشته و بگاران یا کنجکاری ضمن خانقاههای عیه الیکدیگر
استفسار مینمودند.

دید و بازدید همه اگرچه قسمت عده‌ای از وقت وزیران و
وکلان را اشغال کرده بود ولی آنها یک، بی‌بستگی بودند و کار -
چنان‌کی نباید از فرصت کم هم برای بگری نشاید نظر بآنها بود
استفاده کرده از اقدامات خود دست بر نهاده بودند. ولی بنا
تمام این دردی که ما هنوز تصمیم مجلس و دولت به صورتی قطعی
دریافته‌اند.

اکثر و کلاهی این نظر را داوران که اکثری و لوموتی حاصل
فرد و بکنفر را برای نخست وزیری کاندید کنند ولی نحوه عمل همان
است که تا بهال برده یعنی اگر اکثریتی هم حاصل شود برای چند
روزی بش نیست و تقاضا در همان روزهای اول هم عده‌ای از وکلا
با طایز کاندیدهای جدید راضی نخواهند بود ولی شاعران رای اشته
خواهند داد.

بهرحال در این شماره اول سال اولین تصمیم تقاضا را با
پاس و نامیدی آغاز کنیم از این جهت فقط بنا به بعضی مصالح کشور
مصلحان را مخاطب قرار داده میگویم در این سال نو رویه بودن
پیش گیرید و بازم تکرار میگویم رویه‌ای را که سال گذشته بدان
عمل کردید برای ملت و مسکلت نتیجه‌ای جز ضرر نداشت بیاید و
روی خود را تغییر دهید، بیاید و نشان دهید که گوش شنوا
دارید، بیاید و ثابت کنید که در این سال جدید گرفته‌چستی
هم حاصل دارید.

سال ۱۳۲۳ گذشت. بخار با بهایی‌ها و در نتیجه بهمانند
شما و بنا بدست شما برای این ملت فراهم شده بود تحمل شده
و آهم گذشت. مردم کام خود را بیشین عید هیزین کردند و حلول
سال جدید را بیکدیگر تبریک گفتند و تالیهای امان و امان‌شاز را
برای چند روزی فراموش کردند الا کنگذاریه دوباره روزگارشان
تخلی خود بگذاریه این هادمانی منحصر چنه روز عید بهادمانی

بیانات اعلیحضرت همایونی

خطاب بملت ایران

بنیابت آغاز سال نو

پایان آرزو میده و وقت آن فرامیبرد
که هر ملتی بفرخورد مصیبت و رنجی که
تحمیل کرده است بیادش طبعی و عادلانه
عمل نماید. آید.
در طول سنی که سلطنت ما در هر که
منتظین داخل گردیده و در اجرای مرام آنها
که بشارت حریت و استقرار عدالت است
ما بزرگترین کت نودیمه مصائب گوناگون
بر دوش رسیده‌اند.
من خصصاً بانه از هر یک از شایستگی
بنا نهاده همشما از این پیش آمده‌ای تا -
گواهی متالم و متار بوده از مشقت‌های
تواری داغته ام.
بچه در صغه ۲

هم میباید عزیزان: امسال بسیار -
خوشوقتیم که تبریک عید سعید نوروز را
با اظهار امیدواری بخانه خدا بزرگ‌کامی
همی توأم میسازم بر خلاف سال گذشته
در اثر بارندگیهای نافع و سبوتی که در
تمام نقاط کشور، هه است آرزو بودی
و خوشی در وضع کشاورزی ظاهر و هویدا
است میتوان انتظار داشت که سال جدید
از سالهای خوب و مرفورن بفرمانت و -
آسایش محسوب خواهد شد.
همانطور که خدمات طبعی (اخرسی
و هادمانی بهار سلامت میکند همانطور
حوادث اخیر جنگ جهانسوز در دیده‌بودن

از اخبارهای نظامنامه‌ای و بحث از
اطراف چیزهای بی‌سرته که گیتی میستم
کاغذ برائی‌های ادارات دولتی است احتیاج
کنید، در موضوعی که بحث میکنید اینده
حاجت زوید، مطالب را مفید و مختصر
بگیرید. تا قانع شوید با نابع کنید. علاوه
مجلس را دیگر "مجلسگاه و دمن باز نه"
کلیک قرار ندهید.
پس از چند روز تعطیل که عده‌ای از
شما برای استنشاق هوای لطیف و آزادتری
از تهران خارج شده‌اید و بقیه هم از هوای
مردم چهارم دیوار مجلس چند روزی
راحه برداید و تجدید قوا نموده‌اید
امیدواریم دیگر تصمیم بکنار گرفته
باید.

مردم چنه روزی از اخبار مجلس
چیزه شنیدند و نخواهند دانست. علاوه مفرطی
دارند که در اثر این فرامیباشت همما دو
مجلس مستعمر و منتظین کرده‌ست
کنید این جلسه، بیرون و تاریخی
باشد و پس از بکمال و چندی در مجلس
روزی تصمیمی اطمین گرفته شده باشد
آزوتقت خواهیم دید مردم ما بگذشتند و
از گذشته‌های شما بازم میکنند و شما
احترام خواهند گذاشت. تا از این جلسه
مجلس چه پدید آید.

هیچکسی مبدل شود. در اولین جلسه‌ای
که در سال او تشکیل میده‌اید الا حرف
های اساسی بزنید و سعی کنید از هر یک
نتیجه بگیریید و نتیجه را برای ملت
بخواهید.

با زهم شکایت اعمالی هیزرستانها را
که مثلا در ایام عید شهربانی کتاب بود
و یا گران فروخته شده بر خرمنه نشسته
افلا سرسراحت حاضر فرودست، بی‌اساس
پیش بکشید و در اطراف آن بی‌فرضانه
صعبت کنید و در جلسه اول قدمی بردارید
و بپرداز نشان دهید که در این سال جدید
شما باروبه جدیدی مفردات کشور را دور
دست گرفته‌اید.

بجای مبارک‌کادگتنی بچود و هم
میباید و بیجای تقاضا و استنادهای مسامت
و شادمانی از درگاه حضرت احدیت برای
ملت و مملکت، تکلیف دولت را مهین کنید
مجلس مستعمر و بپردو نپیشورد تصمیم
بگیریید و کلکش را بکشید. اگر شخص
هیزی را در نظر گرفته‌اید بیاید و بپرداز
کسی را - تا لایق میباید بی‌مسلطه
بگیریید و دستش را از کار کوتاه کنید و
با لایح تصمیم بگیریید و در جلسه اول سال
نو مستزلی حقیقی برای کاهای این مملکت
نشین کنید.

بیانات اعلیحضرت همایونی

نطق آقای نخست وزیر

۹۹ از صفحه ۱

بشود و در هر مرتبه مقامی که مستند آن را بکار بسته و در پیمان خود تبلیغ نماید.

وضع جهان در سال چندین صورت خاصی خواهد گرفت آینده ملل و وطن تر خواهد شد اصل در واقع - آثار امپت فراوانی است زیرا که اندام ملل را از تکنیکی موانع بیرونی خواهد پندشید و سازش انحصاری پیش خواهد آمد در آن مرحله است که اقوام جهان پستیت رده و لایقیت خود بدینسانه حقوق خویش واضح کند و - زبانی جدید از گردن بس که تنها قفل انسانی بلکه قفل تر حیوان نیز ایجاد میکند که در جهت موانعی هر گروهی دستاز اختلافات داخلی برداشته در کمال یکنگی مرتب آتی آینده باشند و با نشان دادن عقل سلیم و انانیت تمام شایستگی خود را برای تسبیح مرطبی ابراز نمایند.

تاریخ پر افتخار وی اطلاع ما نشان میدهد که ملت ایران در طول سرداران خود با بسیاری از ادوار بحرانی و خطیری مواجه شده و بدر هر مورد سینه واز از ایزان خاکستر صواب و هدایت روزگار زنده و جوان و نیرومند بیرون آمده است.

از اینرو من نهایت امیدواری را دارم هماغذوق که دهر هر خوانده باورسین سال و چیزهای کهنه را از خود دور می کند و سعادت مختلف بیز گسرد و عجز از اختلاف را از آیین ملل بزایبته و چون گدوری که دارای حکومت ملی مردم مدینه خواهد مانی برای اجرای پات سخته خود نخرانند داشت نیز مصالح عالیه ملت فلا زهر گریه کشفگی که موجب اختلاف باشد امتزاز کرده منوجه باشند که تمامه استقلال و رفاه عمومی کشور بالاتر از هر نظر خصوصی و مرام محدودی است تمامانسان سادت با حق انفاق و اتحاد است و باینجه در او قزاقین گفورد خوبیت از مقررات دولت و سنی دولتی و آبادانی ملکیت باید تامل نماید که خون پاکان با هیات هنوز در رکعهای هفاوردان دارد و مشکلات و - لایزالان روزگار گشوده درواگان تاملات و ها وارد نفعهای آردود.

در این سرزمین ستمدون تروت منعی که میراث گریزهای پیشین ما و امانت استگان است میتوان از همه مانع طبیعی استفاده نمود و برای جمع افراد کارمراه اشتغال تهیه کرد و در سایه عدالت اجتماعی بهداشت و فرهنگ توسعه سکون و حداقل مشقت را برای همه افراد استقامت ملت تأمین نمود در عینا نفردودمانه گریه از خود دور کرد و از راه و سعادت که حق هر ملت و جمیع نملی است بهره مند گردید.

برمن پوشیده بود که محرومیت از لوازم مشیت و مواجهه بدن با نافع و فلا تا چه حد شایار جانور خندان و تامل بوده است بیستم خود میدمید که بر بنهای جایب که از خمان در برینه این ملت است خود و هوسان خود را بر آسایش خود موشتر عریض میدادید و هیچ فرد و جاعتی از شما بیارود این همه مشغله انحصار پذیرش پشرفت فایده عالی منتفعی ابراز سنتی و اظهار نویدی نگر دید و بی قیود و زاری را با زبان کلامی - دوش سیر و استقامت خود نگه میداشتید. ابراز این صفت عالی که موجب نفع هر یک از ایرانیان بوده و همت در همت من نیز تائیدی مینماید هر یک از شما که می بینم لصال جبهه پیمانگاری که منیاد در برین سبب دستگیر و غنی شده و بزودی هر کشوری بیزان گوش خود از کثرت صلح بهره مند خواهد شد و یقین است که ایران عزیز ما نیز در همه احوال شریک و دوستان دوستان خود خواهد بود.

لیکن در اینجا باید گفت که است گاه لازم میداند ملت عزیز را با این منوجه سالوم هر قدر محیط آتیته جهان مساعد و حسن حکمرانی فایده میدادند چنانچه نوی نامه بزار سادت و تاملی هر قوم بنه بیستکی و آشنده است که از خود بروز هجو بالاترین شاه این لیالت اتحاد و وظیفه ختانی است.

در کشوری که از است حکومت - دموکراسی برخوردار است همه افراد بقدر مرتبه و استقامتی که دارند منتفعی احوال خود در برابر سایرین شناختگی - هونده قانون کسی را اجازه نداده است که از زیر پای تکلیف وظیفه ملی خانه خالی کند بنابراین هر قومی که از دانش شوق و سادته که عواطف عدالت اجتماعی و آگاه از وظایف مکاری منعه خود را فایسته ترمی بر می آورده است و چنین جاعت حق دارد که در جمیع ملل مترقی مقامی را که مناسبت شرافت تاریخی اوست حاصل گردد کارمندان حکومت دموکراسی که مسئولیت دستگاه این حکومت را بر عهده گرفته اند باید فراموش نکنند که وظیفه آنها چه در خلیع مهم است این وظیفه را باید با کسند دقت و امانت بیوفت اجرا بگذارند و الا نه با تامل و نظر اصلی ملل بسلی نمی آید بلکه منکس است تمام از راههای ملی بصورتیت و نویدی مبدل هوه بنسار بر این من در این پیام روزوی مخصوصاً از همه تا نشان دارم که اندرز عالی مستفانه ام را با دقت بیشتری

درد برابر رادبو لهران

هوشنان عزیز ا

آزاد سال نور بسوم هوشنان عزیز براهیم میگویم این همه بزرگ ملی منه ساله دو جیز را با نظر ما ایرانیان میآورد: یکی حسن انتخاب پاکاه پادشاهت ماست که این موعرف را بعنوان روز اول سال برگزید. و جشن گرفتنه زیرا درست و صحیح است که است که طیبیت بیز تهرید حیات میبندد و آثار جشن و سرور در آن نمای می کند دیگر موره های پر انفعاری است که کشور ما شامه آب بوده در آن دورهها پدران ما با جبهه و جلال ما می و منوی و بسا سرودی روزگاری زیست کرده ناخود را در دفتر انداخته با بفر برای همیشه ثبت کرده ام.

این خطرمه روح ملل ما نشاط میبندد و حسن فرود ملی را در ما بر میبازد اما آبت بایدانه ایدووار میبازد. البته شایسته همه میداند مشکلات ما بسیار است و با وجود مجاهداتی که بصورتها در این عبادت نغیج تکمیل و جهت توجهات مخصوصه اعلیحضرت همایونی برای رفیع با نهایه آنها بکار بسته واز پیش از آنها پر خوشبختانه رهائی حاصل شده میباشد هنوز در راه سعادت ملت و ترقی ملکیت موانع و مشکلات فراوان موجود میباشد که برای رفیع آنها هست بلند و - لندگاری بسیار ضرورت دارد من بواسطه تناس معلومم که با امور دارم موانع و مشکلات را بنده از دیگران میبینم و بر هفت بعضی از آنها نیز مترف هستم ولی تقاضی نسیانم که در این روز جشن بسیار ذکر آنها علاوه خاطر هوشنان رفاهم سازم هیئت قداطیستان میهم که این مشکلات هر قدر بزرگ بنشیند لیوانه و تاپیه ما را - دلرده و السرد و مایوس کند.

وطن ما بشهادت نامی دورههای پسران آموخت و دستگیری را گذرانده و در این دورههای نامی که در این ملت بویت است هوشواره از آن آرموزهای گوناگون بیرون زده بیرون آمده است اگر بپاد دانه بناید همه منشی را من در سوده چهارمده پیش از پت این است ذکر آنها علاوه خاطر نسیانم واز هر موانع تقاضا کردیم هیچ گاندومیی و باس را با بقدر راه نهمه و بنیاید بدانه که از جیت هوش و ذکاوت و دیگر استنددهای ذاتی از اقوام نیرومند امروزه چیزی کمتر نماند و بیروزی آنها بر هاله سخیبنا امری نفسی و سمام است.

چیزیکه تا اندازه موجب نگرانی گردیده تزلولی است که در ایران اخلاقی پاره افراد لاسفاهه مفهوه روح حصیان وی اضابطی است که در بعضی افراد خوشحال میبندد ولی باید دانست که این صفات نامعوده و بسیاری از خصوصیات نامعلاوب دیگر امروزه دست هر شی و روشنی که در نتیجه منشی از وضع مشیت و برینانی اشکار که لازمه کمال جبهانی است باید آمده و بیشک پس از استقرار اشکار و بازگشت از وضع حادی بنیاید چندین از اینان خواهد رفت در این حال آنچه مایه امیدواری است این است که در بحیوه این هرج و مرج اخلاقی حسن و نظیرستی بقوت و بیرونی خود باقی است و همه افراد از هر دسته وظیفه که با فکند پیشه در سوس آنها را بیجان می آرد و نمل ایران آنها را تکان دهد بیعده و معلوم است که هنگی در راه عظمت آنها برای هر گونه لندگاری حاضر و آماده هستند.

بسیاری از اختلافات و دیگر ما پس از خانه خنک خود بود مطلع خواهد شد و خوشبختانه بیشتر تن سریع نفع ایران در تمام جبههها میبندد این خانه بیکر لاسفاهه کوبه میبندد. در هر حال تقریباً مسلم است که در سالی که امروزه شروع میشود و نافع بسیار هم روزی خواهد داد و هر تهرید سازمانی داده خواهد شد تامل نسیانم بفرانده در سایه صلح و سلام بر میهم شرایبیه گذشته پرداخته از مزایای آزادی و استقلال سکه بواسطه مجاز و تهاجم دول معور مورد تهیه و انفسه بود و اینک با بیروزی دول

اخبار داخله

آیین سلام
دو روز اول فروردین آیین سلام در پیشگاه اجلاس حضرت مهابادی در کوهستان انجام شد.

ارتقا تاج درجات افسران ارشد
آقایان افسران ارشد ذیل به درجه سرتیپی ارتقا یافته.

- ۱- سرهنگ و کتر باوسا ویس بیارستان شماره ۱ ارتش
- ۲- سرهنگ نمرالله پاینده ویس اداره مهندسی ارتش
- ۳- سرهنگ محمد مظفری ویس و کنگ چهار ستاد ارتش
- ۴- سرهنگ واپز شکک علوی معلم ویس اداره اصلاح نژاد و پرورش اسب
- ۵- سرهنگ حسین مطاویز باورس ویژه وزارت جنگ
- ۶- سرهنگ دروغخانی فرمانده لشکر تبریز

اعطاء نشان و مدال
آقایان دل از طرف مجلس حضرت مهابادی به دیوانت نشان و مدال مقرر شدند.

- ۱- آقای دکتر اسمعیل رجبیان فرجه اول مهاباد
- ۲- سرسپه سالارمحمد مقفوق معاون و وزارت جنگ درجه دوم مهاباد
- ۳- آیداد محمد کبیر کاروانی ویس انجمن خیریه ایرانیان معمر درجه ۴ مهاباد
- ۴- پاسپار قوامی رئیس شورای بنیاد شیراز درجه ۴ مهاباد

سرهنگ اداری موبد میرفرغانی ویس دفتر نظارتی وزارت جنگ درجه ۴ مهاباد

- ۶- دکتر خسرو یوز مختار درجه ۵ مهاباد
- ۷- لطفعلی قوامی فرماندار فسا درجه ۵ مهاباد
- ۸- محمد حسین صنبح خاتم عدال درجه اول مهاباد

رئیس فرهنگ تهران
آقای دکتر آبراهام استادانلی سرری عالی براسه اداره فرهنگ تهران انتصاب شدند.

ما و حیوانات گان

لاکرات و نام های متعددی از طرف خواننده دان نامه کوهستان رسیده که از اشتباه آن اظهار عذوقتی نموده ما را بلامه این خدمت تشویق کرده اند اسمی آنگاه که در این هفته اظهار مسرت نموده اند بفرح زیر میانه:

- از مهاباد آقای سیدمحمد
- از سنندج « سیدالدین شاه اویسی
- « منظر اردلان
- « سوران راهب رسولی
- « حجاج اردلان

از مهاباد « نصیری
« غزل نقاشی لسانی
از بزناده « محمد ناصی
« اقبالنای گلپای
از سنندج « عباس آزادپور
از اهملان « غلامحسین اردلان
از سنندج « ناصر آزادپور
و در تمام کوهستان و مناطق غرب تا کونقطه قط یکدیگر بی ملائگی خود را با آماده روزنامه اعلام داده است این بخش آقای علی اشرف مشیر و زسری (اهراف لست) ساکن سنندج است

آشنایان بطوریکه اطلاع داده اند بعلت گرفتاری پاسپورت کاروانی فرستی برای مطالعه روزنامه ما بطور کلی ندهانته و بدون اینکه نامه کوهستان را باز کنند از مدتها پیش آن مطلع گردیده بودند و اند ارسال مجدد روزنامه برای ایشان موقوف بود تا ما و اظهار ندهانته از طرف ایشان خواهد بود.

فرماندار شهسوار

آقای افغانی بازرس استان دوم پست فرماندار شهرستان شهسوار منصوب گردیدند.
تغییر لغت
آقای سرهنگ عاصمی فرمانده نوب سق در دوروز قبل بطرف مصل ماموریت خود عهت نمودند.
پانزدهم

آقای افغانی فرمانده نوب پست و هیئت نماینده گان ایران دو کتراسی بین- اللالی مقال در کشور های متحد آمریکا بطهران بازگشته.

بیانات علیا حضرت ملکه
نوروز سعید را از صمیم قلب بیهیگی شادباش و نهایت مبارکبوم امیدوارم سال نو برای مبین خیزر و هم میهمان انواع خیر و سعادت مقرون بوده و بانوان در این سال در انجام خدمات اجتماعی بیش از پیش فرین کامیابی گردند.

اخبار خارجه

درجه چهارم
نیروهای مارهاال مائیتسکی در مجارستان جبهه دشمن را شکست و بسبق ۱۵ کلو متر پیشرفت اند و استرکوم و دوست آبادی را تصرف کرده اند.
نیروی شوروی هفتزار اسیر گرفته و دهه سی و پنجاه تانک و توپ خود را و بیش از سیصد توپ و غنایم بیشتر دیگری بدست آورد.

بچه فرمان دیگر شتاب بازارل واسپاسکی غیرمهندسه که در جنوب غربی کینسبرگ در پروس غربی شورسک بمبارک بلیکن پای شده است. به تصرف ارتش سرخ در آمده و بیش از هفتزار اسیر گرفته شده است.

دو کتار رودن

یکه گاهی که ارتش مارهاال و نیگسکی در دست راست رودن بدست آورده است اکنون بطول چهاردهت کلو متر و سق پانزده کلو متر است سست حالی از ارتش دوم انگلیس با دولسرتیکه از راه هوا در عقب جبهه آسایشا پیاده شده بودند بیم پیوسته و ارتش دوم انگلیس و ارتش نهم آمریکا زبور کواورون و به بهر گرسه اند.

مراقبت دشمن در پیشش حالی جبهه هست میکت. نیروی انگلیس هنوز داخل « ریس » مقنول برده هستند ولی شوروزل از چوهر بر روی دشمن پانزدهه است.

نیروی آمریکا در جنوب غربی وول نصابت « استیکوم » « لیرودت » و « فردیش نله » و لیندن و دینا داکر « و استرف نمودند آلمانی ها دران ناحیه فقط یک فضای کوچکی را در مغرب کورسره افغانی نمایند.

هشارکت نیروی دریایی در عملیات رودن
نیروهای دریایی آمریکایی مستقر در تشکیل تکیه کامیابی چیده در رودن رن با آرتشهای آمریکایی همراهمی که در نایب مملار میفود که باک عملیات مختلط بی نظیر در تاریخ لشکری جهان داره.

این نخستین بار میفاده که ارتش زمینی برای خیزول و یگروه نارگان و با یکت خود طایفه است.
وجود واحد های دوپای درلازه اروپا با یکستله کلاس مرماتنه و سربو بوده است.

کشتی های کوبله از قبیل کشتی های مخصوص پیاده گردن نیرو و وسایط ادبیه بظرفی که تن و همچنین کشتی های مخصوص پیاده کردن نیروی مکانیزه بظرفی سوسه شش تن از چندی ماه قبل در رودخانه های فرانس و بلژیک مستول سق و تسلیم بوده اند.

اعتراض دولت اسپانیا

دولت اسپانیا روز جمعه پادداشت اعتراض آمیز به دیدی بدولت ژاپن فرستاده و نسبت بوشیکری های که ژاپنیا دو پاره اجاب اسپانیا مرتکب میفوند توضیحات خواسته است.

هستر چرچیل از رودن گذشت

مصر چرچیل نخست وزیر انگلستان در پیش مبادله اسلحه ارتش نهم آمریکا کوشش کرد کشتی که مخصوص پیاده گردن نیرو بود از رودن رن گذشت مارشل برت گریب نیز همراه او بود نخست وزیر انگلستان سیامیان منفذ را در این بقی که سی و هفت ساعت پیش در دهه آلمانیا بود پانزدهم کره

مخبرین ما

در شهرهای رضائیه - مهاباد - سنندج - بیجار و همدان و کرمانشا اگر کستانی داوطلب مخبری باشند کمکن است تقاضای خود را با تعیین اینکه آیا سابقه ای در این امر دارند یا نه به آدرس دفتر نامه کوهستان ارسال دارند

دستبردهای مسلحانه در کرمانشاه

تقریباً دو دهه قبل در کرمانشاه در مساعده چند شب سه دستبرده مسلحانه روی داد که جریان آن ذیل از نظر خوانندگان گرامر خواهد گذشت.

هرچیز اگر که به نظر مناسیح و دو نفر دیگر بدون اسلحه بوده اندازده وار منزل اسمیل نام زازن که متصرفه بیابان بوده به بلارتی بکنه نرسان صاحب خانه را تهدید بقتل نموده به سزبان مشغول چنگ آوردی از اینه میگردد. در فاصله چند دقیقه از اینه ای را که قابل استناده و مناسب بوده برداشته شراخ میشود . در این موقع صدای دویز که شنگ نموده همسایه ها و اطرافیان را متوجه حادثه ای در خانه اسمیل نموده ولی وقتی مردم سر میست از این امر آهین می بینند .

دو شب بعد در یکطرف دیگر شهر حادثه اسفناک دیگری رخ میدهد. دزدان مسلح به نترق خام مسلمان نام آرایشگر میبرند. همه ای از دیوار هفت ای بی از هکشتن در کوچه داخل منزل می شوند. آتش تعدادی برادران خام مسلمان سخته گرومیان هرز نام داشته بر سر کمرای ملاقات خواهرش آمدند و بعد از برامسار خواهر آتش و او در خانه میمانند. صدای ای سارین گرومیان هرز را پیادار نموده ایرونی جلوی کمری ازسوه ضد دزدان بر میغیزد. در حالی که یکی از سارین مسلمان از گفتن میگردد دیگران برای رهایی همدست خود از چنگ گرومیان هرزین بطرف او تیر اندازی منبایند بیچاره از پای در میباید و پس از چند دقیقه هم جان می سپارد. خواهرش که این منظره را می بیند بریادگان طرف جسم برادر میوه وولی یکی از دزدان بضرر ندارد. سر او را کشفته که مناجا یافته. دو اینجا هم یکچندان از اینه و مدداری دیگر لوازم منزل و امیربایان. هنگام خروج از منزل به همه ای سرپاز که مامور نگهبانی سیم بوده اند بر میخورند چند تیر و وفو بدل میشود ولی دزدان بدون اینکه آسبی به یینه موفق برآید میشوند.

سه شب بعد دزدان که تعدادشان به ۱۵ الی ۱۷ نفر رسیده بود باز از منطقه دیگر وارد میشوند و از اینه و درنگه جی بر خورنده آنها را زلمت میکنند سپس بسترل مامور و ماس سخته ندیسی رونده ولی در اینجا در اثر تهدید بیبون به برداشته سهمی از انبای آنها گشته بیبون اینکه تلفات جانی وارد آوردند فرار میکنند.

بروز این اتفاقات بر دویز، دو ناصله نهدب ، آسایش مردم کرمانشاه را مختل نموده غیربانی بستی نام نگهبانی

متمنده در تمام مدت شب، دو حافظ مغتله شهر برقرار میباشد. دزدان که از اقدام شهرای مطلع میشوند احتیاطا زازوست داده موقتا از تجدید دستبرده خودداری میکنند . در طول این مدت که غیربانی ایها مجدداً مشغول حفظ و حراست شهر میشود در صدد کشف سارین همدیایه بیاظه، پس از دو سه هفته با اطلاعاتی که محرمانه دریافت میدارد موفق میگردد یکی از سارین دو شهر می کرده بلاذامه بازجویی هروع میشود. سارین نامسار جریان دستبرده ها و محل چنگ ای را همستان خود را اقرار میکند.

در این وقت چون بهر پاری با فقه و ساط نظیه بوده از تپ کرمانشاه تاضای کیک میکند و برخلاف انتظار که هیچکدام تجاس و هکاره، بین ادارات دولتی نیست بلاذامه از طرف نظیه کرمانشاه، سنگاه اتومبیل و چند نفر سراز بر سر پستی یک نفر استوار بپهربانی اعزام میشود . او طرف آگاهی شهربانی هم یکفتر سر پاسبان موسوم بهسند مراد کرسی و چند نفر پاسبان بهرامی سرازان امرای تپ. برای دستگیری سارین مامور میشوند و پریچان و کرمی میروند نهضت سمنه و ما را هم برای شناسایی اعیان مسروقه همراه میگرد.

پسین روز و در قره ابهره نفسی از اقیاده را که در خانه یکی از سارین بوده کشف و حین علی نابرا دستگیری گرفته. خبر مودد مامورین با بامی پیوند نفری فرست میدهد کرمه و را بر علیه مامورین تحریک کشته ولی قبل از اینکه در اینجاهم قاضی تازه ای رخ دهد مامورین دودلر از سر کین و راه دستگیری نموده فوراً مراحت میکنند.

اگر افه باری سر برست مهال الله پراخانی با همه ای سوار دنیسان مامورین روان میشود تا هاید آنها را تصبیح نمودن قضیه را تسکوت نگذارند ولی مامورین بکنه های او رفتی نگذاشته وظیفه خود را انجام میدهند.

تحقیقات از طرف قضیه دایره آگاهی تکبیل و کلیه سارین تیزباز سه نفر دستگیری میشوند.
این بود اطلاعیه که از جریان این وقایع بنا رسیده حال این که مطالب با کنارهیا و اطلاعات اداره کل شهربانی تطبیق میکنند جای آن داره که از مامورین وظیفه شناس تعدادی هفرو یاد افعالی به آنان داده نمود که مقوف دیگران هم مانه.

پلم آقای محمد حسن آذرب و ذری دانشجوری دانشکده حقوق

کنفرانس سانفرانسیسکو و نمایندگان ایران

روزی که اجنبی سران سه دولت متفق در کربیه تشکیل شد و حامیان آزادی و طرفداران سعادت بشر برای استعلا سلطه و صلح دیده و زجر کشیده گردم آمدند و در مسائل مهم سیاسی متناقضه تصمیمات لازمه را اتخاذ کردند حامیان با کمال بی صبری و انتظار بودند که هر چه زودتر از نتیجه مذاکرات آگاه شده به سر نوشت خود واقف گردند.

تشکیل اجنبی سانفرانسیسکو و دعوت از نمایندگان مال مختلف مواقع بسیار مناسبی بدست داد تا دول بوسیله نمایندگان اهتزازی از حقوق حقه خویش منافع نمایند. موضوع بین ایران و امریکای متحده و مسیحی هوس و روستنگران و کلیه جرایم شد و هر یک بسم خود موضوع را آنچه لازم بود نظر گذر دادند و توجه دولت را به تمییز نمایندگان شایسته و لایق معضوف داشته همه مردم خصوصاً روحین فکری که بیشتر باین موضوع علاقمند بودند در انتظار تصمیم دولت شاهنشاهی یینه چگامی را بنام نمایندگی ۱۵ ملیون ایرانی انتخاب خواهند کرد.

پیشانداد دولت آلمانی برپایه اولیقه قدم اصلاح طلبانه ای بود که از طرف دولت پناه برداشته شد ولی متأسفانه آلمانی برپایه دعوت هیئت دولت را پذیرفته به بهانه کسالت و گرفتاری شخصی این مامورین را رد کردند.
جالی سی پاس و نامیسوی است که ایران فرزندان چون بیریبا و دوام خود بیروانه ولی دو موقع میباید ایشان شاه از زیر بارکاز و غنم خالی کتند. انتظار همه این بود که فرزندان صالح ایران بآنچه در راه استقلال ایران مجدداً قدم بردارند. جان فدای کتند و مرزدارن بیزرده ایران را باغین کاک نوش آفشته و شاداب سازند و در سایه فداکاری و از خود کشف کتند مطبق دیرین ایران را بازمانند.

هرای چند سال اخیر که بیچارگی و بدبختی مله ایران پنداشته هر چه رسیده و هکشت رسامات ایران در خطر بوده ملت ایران تعصبی داده که حصر کمال و مصالحی چون پریبا لیفات آترا دارد که کشتی کشت ایچ ملت و اسباب نجات برسانه . بنیان زمامت مجلس و نهضت عمومی و خرابی دیگر ایچان را دعوت کردند و هر یک را بتجوی رد نمود. در حال ملت شهنشاه و مساکت بی سرپرست که بهست و باری ایشال بیریبا چند دوخته بود توچی نبود و در موفقی که بپاسینی آسایش سعادت و استقلال ایران ایچال و هیات و ازسوه کشف کتند از قبول اجام چند عدمتی سرباز بودند . ایران انتظار نداشته که یکی از فرزندان لایقش از او روی برگرداند.

دوشتنگران میخواستند که آلمانی بیریبا دو این امر حرکت کتند و ملی مایه که خود را فرستادند و تأمین سعادت ملکیت آماده نموده اند که موردی برسی دهند ولی افسوس ایران درین موقع خطیر پیاری چنین نیامده و هرچنان انزوا گراییند.
حال که این ارباب از شغس جاب آلمانی مونسین الملک قطع گردیده روی سخن با هیئتی است که بهست آلمانی انتظام در این کنفرانس شرکت خواهد نمود.

آلمانیان در این موقع که ارزش زحمت هر ملت و دوجه فداکاری او در این کنفرانس مورد توجه قرار میگردد ایرانیان و انتظار دارند که نمایندگان کتند هارا بگویند و او کتند ایران و غنمائی را که دروازه بیرونی متقین انجام داده گهوش نمایند به طرز ایران دروازه هکاری را متقین آنچه را که در اختیار داشت در طرز انتظارات بدهند. متقین کرده خود با گرسنگی برهنگی و بیچارگی درانتظار چنین روزی نشست.
سایر ایرانیان میخواستند که نمایندگان آنها برده ای از افراد فداکار و با مقاماتی باشند که قطع منوجه مصالح ایران و تأمین افراد ایرانی و بیرون رفت امری واقع نشوند ، و استقلال و مافی و سعادت ایران را دو نظر گرفته و در راه تحصیل آن مراده مجاهدت کتند

بلام آتای محمد مردوخ (آیت‌افه کردستانی)

۵۰

کرد و کردستان

مذهب قدیم کردها و آداب ایشان

آیین و آداب کردها در ترون اولیه یعنی پیش از تفرق و مهاجرت با ما کنونی خیلی تاریک است و نامعلوم فلما پس ورود با ما کنونی از آنجا و علائم چنان استنباط میشود که آهورا پرست بوده‌اند یعنی دوشنبه پرست که روشنی و آهوست داشته اند و از تاروکی دانته و ترسان بوده اند.

بشش آتش که حالاهم در ارومان آتش را (آور) یا (آهیر) میگویند و آتشی است که خبثتی که از آتش آمده مانند کینه و خشم که مرکب از خود و آتشی است خود آمده است.

منصود از آتشی که در روشنی است که آتزلایه و بالاخره «شیدشید» گفته اند که برمی «نورالانوار» میگویند و آنرا برورنده کائنات دانسته اند (افه نورالوسوات والاشر) کم کم علم توراتی هم یاد داده اند. (آهورا مزه) گفته اند یعنی نورنده تونا که مرد یعنی تونا و نورنده است وحلا «هورمز» یا «ورمز» میگویند شاید که مست هم تصرف مزد باشد.

غلامه کردها «آتش» را که مظهر آن حلیت نابره است (یعنی روشنی) مقصد دانسته اند و آنرا پرست کرده اند چنانکه هرودت هم میگوید «منها یک قبیله از قبایل شگشگه ماد بوده اند» آفتاب را هم که «هور» و «خور» و «هوروش» و «هوره» و «خوره» میگویند.

چوین مناسبت است یعنی مظهر روشنی است بنابراین آتزلایه دانسته اند و پرستش کرده اند باینجهت که هوروش پرست بر سرش گفته اند «تاریخ کیهان» هم صلمه ۳۳۰-۳۳۱ هور هم شرح هور یعنی معنوق است و «آهورا» یعنی عاشق هور از کله آهورا به انشا یعنی پاته اند که ساختن تشبیه و استعاره خوراه هم واقع شده است - آتش حق است کافر می تابد -

بالاخره از علمای و آثار تاریخی روشن شده است که کردها بلکه پارسیها هم از مادی و یهودی با ما کنونی با آتزلایه نام و وسایل گان و آب و باد و سیزه و بزده و آهسته آهسته رسواکار داشته اند و تاروکی را مقرب اهریمن دانسته اند و برای آیین غالب آغاز بوده اند و مرکب را که آیین مردم رفته است سلسله اهریمن دانسته اند هرچند در اول دین نیکرده مادیالیستکی با آگاهی مرتفع گذاشته اند تا مرغان و جانوران از خود بخورند که دوباره چورچه چسانه ازان بشود بعدها این پاسا در سر کرده اند و مرده در میان شره گذاشته

نظری آقای نخست وزیر

پایه زمسه ۱

آزادخواه برای همه تأیید میشود برخوردار گردد. البته برای استفاده از موقوفات بانک اعلیحضرت هابسون شاهنشاهی شب گذشته درمجلس بیانات خود خطاب بملت فرموده ما باید بیش از پیش از اغراض خصوصی چشم پوشیم و منافع عمومی ملی تاریخ است و نامعلوم فلما پس ورود با ما کنونی از آنجا و علائم چنان استنباط میشود که آهورا پرست بوده‌اند یعنی دوشنبه پرست که روشنی و آهوست داشته اند و از تاروکی دانته و ترسان بوده اند.

در خانه امپراتور ما سلطون به امروز سال نو آغاز میشود و طبیعت زندگی از سر میگیرد ما هم فورنت لروی شاهنشاه معظم خود زندگی نوینی را شروع نموده بتوانیم با فائلیتی روز المون بر مشکلات فائق آمده راه نرئی و عالی بیستام و آتشی و روشنی که پس از چندین سال سختی و محرومیت شایسته آن هستیم برای خود تأمین کنیم.

بشارت باهالی محترم شهرستان سفندج

محترما در طی مقدمه اطلاع هم میهنانی گرامی میرسانه که از چندین پیش با بابل مجامعه خود گوشش لوق العاده صرف جان و مال شروع و جمع آوری همه بسیاری کتب نموده و تقسیم بر آن کرده که بنگاهی شهرستانج هم تئور انکار و تئذیب اخلاق عمومی تشکیل داده مشغول است و طایف کرده و چون در این راه امید موفقیت نرفت این است که تمام آرزوهای بنیامه علیه اهل بیعتین رسانیده ادبی انتقادی، فتنی، تاریخی، سیاسی، جنائی، جاسوسی، ایسی، فکاهی، احسی و لاجله از درمعرض فریب فرار داده است طالبین قدوسی صدعه پس برپای مراجع فرمائید.

سنتج محمد سعید برپایی

مردم نبوده است. سپس در بیست و نه تالیفات خود را استعجاب داده و اوروپه مراجعت کرده است و در آنجا بهو مانع باشاهانکار خود و تحکیم آیین خود بر سرستی بی آلابی روانه است اما اکثر محققین مادی بودن دردهت اخیر را تصدیق کرده اند که از آنرا (مادی) بوده است. یعنی گنگور ماد کتاب اوستا را بزبان وطنی خود یعنی زبان مادی نوشته است.

زبان مادی در دهه تاریخ ظهور از اختلاف کرده اند آنچه متنق علیه جهور موخین است اینست که دردهت متدد بوده است. اول آن دردهت دریاخ ظهور نموده پس (پوروشپ) بوده است که هوشنگ بار کرده است.

یعنی میگویند که او هوشنگ است که او را «آذر هوشنگ» میگویند. آنکه خسرو پوزیک که در هاشمانه مذکور است. مهمی براین روایات است که میگوید: که مارا ز دین گمن ننگ نیست بگینی به از دین هوشنگ نیست همه راه داد است و آتلی مهر نظر کردند اندر شدار سپهر از دین جز روشی چند باقی نیست تاریخ ظهور دین دردهت تقریباً سه هزار سال پیش از میلاد است اوستا نوی در زبان و وفات پاته است دردهت دوم را (فرهون) میگویند آنکه در برضاک آتزی خروج کرد (فریضه موزارو دو سیسه سال پیش از میلاد) اکثر مستشرقین قتیضه خروج فرهون و کاورا در برضاک بلکه اصلاح و کاورا فریضه و برضاک اصلاح و آسانه کاورا کرد پس در مودی که اندکان (دردهت کربانی) بهجست اصلاح جانی تردید نیست و دردهت تصدیق تمام موخین شرق و غرب و خود همان مستشرقین است.

در کوهها دین کرده اند هله و تکاح در بین آنها نبوده فقط تراضی زن و مرد و تصویب پدر باریس خانوادۀ طریق برای انجام از دواج عالی بود است نمود (زن و مرد) میان اگرگاه شروع نبوده است. اما زنا و روابط مستمنوع نبوده است زنان از مردان روگرنگرند تا در دختران تا مومع بلوغ شوار با نکرده اند سائر هوسوت آنها فقط یک پیراهن پلنسه بوده است پسران هم تا ناسن بلوغ کس نیستند کردها ما با کوهی و روم را نوردند. اند کله و خشم زیاد داشته اند در هر باها حرکت کرده اند کرم سر و سر میروند اند و مایل بسکوت در یکجا بوده اند زنگاری خود را بوسیله گله داری و رومیهای جنگلی و غورا کباب طیبی تأمین کرده اند تروت آنها عبارت بوده از گاو و گوسفند و اسب و مانیان و بز و مرغ و گنبد و کبک و حیوانات مثال گاو... که بطور کلی تاریخ گمان طیبی بوده اند اخیراً هم که شهر نشین شده اند بزهاخت و قلات و فرس ناک و درخت برداشته اند. حکومت هر خانواده باید بروک آن خانواده بوده است بعد زوسی قبایل هم درحل و فصل قضایای منسبه مراجع امور بوده اند. اگر گاهی هم تحت سلطه و اقتدار یک سلطان درآمده اند فقط زوسی بابل طرف مراجعت سلطان بوده اند آنهم در امور سیاسی و دولتی از قبیل جنگ و صلح و خراج و لشکر و امانت آن و در سایر قضایای داخلی کلاً با ما اختیار در دست زوسی قبایل و در پیش سفیدان بوده است پیش سفیدان هم چامل شور و سواد بوده و در هر دوره دارای دایه بوده اند. بابلو چند آنکها بوده اند مسائل ملکی بچوپچه در دین آنها نبوده است. استیجابات خود را فقط بوسیله جبارد چش یعنی بر گزار کرده اند بوسیله پسران هم که دیگر از او خوراک های خود خورایند و بهین روهیب رواج (مسانداری) و (مسان لواری) دو اگرگاه شده است که حالاهم این دوه در اگرگاه ستان بانو و مطلوب است حیات و پرستش هورمز به بزرگان خانوادها اختصاص یافته و آنان را بیزگنه اند. سایرین از دخت پرستش و عبادت معاف و رامت بوده اند کم کم پیراهن هورمز پرستی را آتوده به داسر و «قدیده» و «چادوکی» و «خرافات و کاذب نبوده اند تا فرزند هرنتم میلادی ۶۶۰ دردهت اخیر که یکی از هوشمنان کرد بوده و اوروپه رخایه کنونی قیام نموده و خوشاست آن مناسد و خرافات را با طایر ابرار دیده اند بزده اوروغاست انوار انگلیز کرده اند ناچار به (بلخ) رفته و آنجا هارغ بهودته

کارخانه خون

طبق گزارش خبرگزاری شوروی آلمانها در بازداشتگاه سالیس یک مسموم حیثانه می به نام کارخانه خون تشکیل داده و بهروز از این بازداشتگاه متونهای معنوی شیشه های خون که از کودکان گرفته شده برای بیامستهای آلمان دراز داشته شد. در بازداشتگاه سالیس اسیران جنگی و اشخاص غیر نظامی از سکنه دوه دینسترو اوکراینی ویا هلند ترسریافته بود در آنجا پس از آنکه خون این اشخاص گرفته میشد آنها را تبریاران میکردند و یا گاز خفه مینمودند.

برای کودکان حجره های مخصوصی تشکیل یافته بود و اطفال میبایست روزی زمین بخواهند. آلمانها این بازداشتگاه وایه کارخانه خون تبدیل کرده و معصوم آنرا در معرض معامله و خرید و فروش در آورده بودند. سازمان اداری این بازداشتگاه صلب سرح آلمان قراردادها منعقد داشته و طبق آن همه روزه چندین متونق معنوی آمبولهای خون تازه کودکان برای بیامستهای آلمان میفرستادند و متونقرا از فدیست به این کارخانه که روزی دویست لیتر خون بدست میاورند فون لده میبایدند هر روز صبح بزرگ فدیست را پس سفید خود داخل حجره های کودکان میکند و سرزدان آلمانها هم بیوی کمک میکنند. یک میز در وسط سالن گذاشته شده بود و هنگامی که سرزاد متونق خوشبین سرنگها و سفید کردن آنها میشد کودکان از مشاهده این تدارکات نای گریه و فریاد میکشاندند و اوست چندمای خود را میبوسیدند ولی سجه آنها بهیچوجه در آلمانها نمانیدند و نداشتند. بزرگ همواره متونق تهیه آلت خود بود و سرزادان هم فرست میای کودکانی را که هفته یک بار میبایستی خون آنها گرفته شود قرائت کرده و لوحه ای سکه در گردن کودکان آویخته بود با اسمی مندرجه در فهرست معظافه کرده و اطفال را بحضور بزرگ میبردند. کودکان که بکلی از یاد افتاده بودند پیش از پنج شش نوبت آب خونت گرفتن را نداشتند و لذا در حجره روزی دو یا پزده کودک تلف میشدند.

میخواندند. سینه در اثر کثرت استعمال بصورت «سه» در آمده و بهیچک برای معائنات آن از دست اشراف نلده در آجا بنامهاند بنیاسیتنامه نامه کم کمت معظافه (سه سوز) تبدیل گردید و بعدها پس از سلطه اعراب «سه سوز» هم مرشد تودریجا بنام متشبهو گردید تا امروز که بهیچ اسم موسوم است ولی تا سال ۱۹۶۰ هجری شمسی بر آن اطلاق نشده و در همان سال سلیمانخان دولانی نله حکومتی را در بالای ته طبیعی وسط شهر که بطور بنیاد نله قمیسی نیز دوروی همان نله بوده بنا کرده و آلتها را مفر حکومت خود فرار داد.

مروغی و اهل فن سال بنیاد نله قوق ودر واقع تلمس شهر متنتج ۱۹۶۰، ۱۹۶۱ را بهیجاب ایچ (فما) نوشته اند و یادیه بهیچ مناسبت است که وقتی فن (بطور کلی همه کسی) در بود داشت، فرهنگ و اوضاع اجتماعی همدی متنتج و عدم توجه دولت بحال آن سامان مفکرک میبشود خود را فردیانی از غم و اندوه می یابیم.

فردیون متنتج و زوری دانشجوی حقوق نامه گوستان - سن تقدر از ابرار علاقه نگار مدیثاقون لایم است مندرگ فریم که جناب آقای آیتالله هاشمقور که در مقدمه «گرد و گردستان» نوشته اند نوشته اند: «بوسیده» گوستان تاریخچه ای از نظر خواننده کن بگمراشته و از ایشرو بنشیل برداشته اند البته این نظر هم بنات کسی معضات روزنامه بوده است و بس.

نامه های وارده

برس وظع برستی و فوله دوستی خود افزوده انتظار دارنده که آن نامه پیش از پیش بگفت سقای و راهنای صبح خدمت هابانی بخاک پاک و مله نجیب ایران بنشاید.

آقای عبداله محمدی شرح معضلی شکایت از طرز صل ماورین مالیات بر هر آمدن توهه اند. ما لازم میباید به ماورین مالیات بر هر آمدن و معصمان به روسای متونق خاطر نشان کنیم که ما مور باید وظایف خود را صادقانه و طبق دستورالعمل و مقررات انجام دهیم و دستورات و مقررات هم و بنا بمعالج کفور وضع شده نه برای استفاده های شخصی.

دواین شماره بهیچ متعذر ندسکر اکتفا می نایم در صورتیکه تغییر رویه مخصوص درجول ماورین معاهده نقدی در شماره های بعد بین شکایات وارده را درج و جدا اختصاصی را که مزاحمت برای مردم، بنظر و راستاده خود فراهم میسازند تلبیب توایم نمود.

آقای فردوسی ضمن شرحی که از کلیات اوضاع گردستان بخصوص شهرستان متنتج نوشته اند اظهار داشت اند که شریکریا و طب ساندگی های این شهرستان از ضایعات آراوی ماورین دولتی سرچشمه میباید.

ایشان ضمن مقاله خود مردم و با تفریق سیاسی با یکدیگر و برانداختن این بازار نله و آشفته دوت توهه اند. مابشر ایشان را بسیار بجا و صحیح میباید و متعذرم که در نتیجه دفاع از حقوق مسلم خود و مبارزه با مفسدین جویا و وضع یرستان میوان از این وضع بلاکت باوقلمی نتجت یافت.

از مهاباد

شرح معضلی از مهاباد بهاداره روزنامه رسیده و نگارنده آن چگونگی واقعه اخیر آجارا بطور تفصیل نگاشته و اظهار داشته است که این توهه، قنط و قسط برای از میسان بردن مدارک سوء استفاده از کون ها بوده و دستهای که هر یک سوء استفاده حیثیه فرور برودانه پای این مل گشته اند و در آخر نامه خود اینطور نوشته:

متصدیان پس از انجام مقصود خود بگروه افزوده درج بازی و حیاهات و حیاهات خود را تساهل میکنند و طبقه عوام که در حکم کور و تابینانده رتاج سخن و احساسات آنها واقع شده بودند بهینه بدنه وسایق و برنده های جیره بندی بنای طرز صل و مشیانه بوده و سرزادان هده اهالی بنین و صالح مهاباد را برای همیشه از این نضیه جانگسزدان دادند و خود با لارتکاب نضایع فون که مخالف نظرت پیشی است به آرزوی خود نایل شدند.

قنطیه اهالی مهاباد از این واقعه چگبرگش فون نامه مائز و مناسف هستند.

از مهاباد

هر کسی بسانمای هده ای واصل هده و از نامهات اخیر خواهان آسانای مفرگرمی همبکری، فارغ از تحصیل در یرستان مهاباد اظهار قدریانی در اظهار و اظهار داشته اند که ایمان از زمانه کان مفرقیت واقعه اخیر مهاباد را بدیوی توهه و از کوه های سردی نیز در باره آمان دروغ گفته اند.

از مهاباد

آقای علی بیرونی ضمن اظهار تحسین از انتشار نامه گوستان بنویسد: هر چه مبله گمرازه انتشار نامه گوستان

آقای دکتر اردلان مدیر مجتهد روزنامه گوستان

دو روزنامه در مقاله کرد و گردستان قلم آتای محمد مردوخ «آیتالله گردستانی» توضیح وجه تسمیه متنتج باختمنار بر کردار هده و قنط مفروض داشته اند (مستند است) بوده چون این بیعت مورد توجه عموم بخصوص اهالی گردستان میباید و مجموع شماره های روزنامه اخیر بهیچ مناسبتی از گردستان تفکیک خوازم داد البته هر قدر کاتر باشد بهتر است باقی مشرقه گسیبه متنتج را بطور جامشتر قیلا میبیکار نام خواننده کان نامه گوستان دوستم بر خودم آن نیز بنیرند و هم احتیالا مورد توجه نویسنده محترم آتای آیتالله گردستانی فرار گردید.

شهر متنتج که امروز مرکز فرماندهی گردستان ایران است هاشمقور که آقای آیتالله مندرگ شده اند در نامه با سینه کوه «آریدر» واقع شده و بهیچ جهت مدتها آبرای نام (سینه)

حالا غسل

ترجمه ش. ا.

نامه کوهستان برای هیچکس همچنان فرستاده
نیستود روزنامه هائی که برای اشخاص ارسال
میکردد یا بنا به تقاضای خود آنها و یا بنا به معرفی
یکی از مشترکین میباشد.

نام شب روان با ژرژ رقصیدم وقتی یکدهم هفتم ماه ربیع‌الثانی فرستادم
و هر دفعه که او را میدیدم خیلی رنک بریده و غمگینانک بنظر میامد.
موقع رفتن ژرژ درخواست نمود که با انجمنیاش مرا بپنزل
برساند. دینک از دینک من آمد و پرسید آیا مایلید باز ژرژ بپنزل بروید
من دینک را کنار کشیدم. گفتم دینک آن جوانی که چینه و رویش
جریان ملاحظت را برایت بیان کردم همین ژرژ است و خودت هم مایل
که البته من مایلم با او بپنزل بروم. دینک در حالی که لبخندی غیر
عادی از لبش نمودار شده گفت البته، منتظاری و بدون اینکه منتظر
جواب من بشود گفت به بغیر اشعارش همیشه بتو خوش بگذرد.
سپس از ژرژ هم جداحافظی کرد و ژرژ هم به طرف اتومبیل
روان شدیم.

آن شب بیدم بیشتر اولت با ژرژ میگذرانیدم این موقع
فصل تابستان بود هر روز نامورا با هم میخوردیم عصرها با هم شنا
میرفتیم و صبحها با بسینا یا تاتر و ننه و یا با تفریحات دیگری خود را
سرگرم می نمودیم. سپس از یکسال گذشت و تفریح با ژرژ و ننه رفتن بسبب
بیشتری بین ما ایجاد شد. اغلب ساعات زندگی خود را با یکدیگر
میگذرانیدیم. من میل داشتم ییش از اینها با او نزدیک قوم و از این
رو از او خواهش کردم که مرا بوالدین خود معرفی کند. از این -
پیشنهاد من ژرژ بی نهایت خوشوقت شد و مرا برای فردای آرزو
بپنزل خود دعوت نمود.

فردا نوبتی غروب بهرامی ژرژ بپنزل او رهسوار همیم؛
منزلش بسوی فردا با فاهگو و در کنار دریاچه‌ای که ما هر روز در
آن شنا میکردیم واقع شده بود. دیوارهای قصر ازمرمر ساخته شده
و کنکاری های زیادی در جلو دیده میفد. درختهای سرسبز آستان
کشیده و آب دریاچه درمیانیکه از توره‌های بلوری منتهی چشمت
می نوره درخشانیه بوسه زورهای الوان رنگی در میآید.

من از دیدن این قصر و این مناظر درخشفت بودم و هر دم
کله‌بهر خود را بپنزل آرزویدم با آن قصر باشکوه مقایسه میکردم
ما داخل سالن شدیم. همه زبانی از ناهیل و دوستان ژرژ
پدر و مادرش جمع بودند. ژرژ مرا یک بله معرفی کرد. در این
میان دو شیرزایی که قیافه سبزه زیبایی داشت با فریاد همه و - ژرژ
گفت و آه فهمیدم ژرژ تو این یک ماه که مارا از ملاقات خود محروم
کرده بودی با این خانم سرگرم بوده‌ای، معلوم است شبیلی خوش
گذرته؟ ژرژ بدون اینکه بگفتد او اعتناکنند منتول پدری‌ای مهان
ها شد. حسن بدی‌رانی من از ژرژ سوال کردم من زلی که ما در آینه
در آن زندگی خواهیم کرد کجا خواهد بود؟ او مرا بصارت دیگری
رسانان کرد و اطافای باعالی را بین نشان داد و گفت: این جاست
سایا من از او تقاضا کردم آتیزخانه را هم بین نشان بدهد. او مرا
باغی‌خانه سفید و تشنگی هدایت کرد. من از دیدن آنجا فوق‌العاده
خوشبدم. زیرا آرزو داشتم که در چنین محلی برای خودم و بچه
های خود غنا بیزم و رو با ژرژ کرده‌گفت:

من با ژرژ خود رقصیدم زیرا من همیشه آتیزخانه سفید و
فشکی را در نظر خود مجسم می کردم که در آن همه ویز کنم. ژرژ
از شنیدن این کلمات متعجب نگردد گفت چه معنی دارد تو آتیز کنی
پس آتیز چکاره‌است. حیف‌است دست‌های طرف و فتنه‌کن تو باین
چیزها بپردازد.

سلیا دفتر زیبایی بود که زندگی مطهری داشت
روزها در اداره‌ای کار میکرد که یکی از روزها در راه
جوانی را دید و دلپاشته او فده بدون اینکه با این جوان
صحبت میکند با او نام و نشان او اطلاعی داشته باشد
تمام وقت را با خجالت او میگذرانید. سلیا دوستی داشت
بنام دینک که اطفولیت با هم بزرگ شده بودند. دینک
سلیا را دوست میداشت و از جریان عشق جمعی سلیا
بچوان ناشناس پیر مسخضتر هفده بود. برای سرگرم -
نمودن سلیا از او خواهش نمود که با هم برای تفریح به
میهانته‌ای بروند. سلیا سرگشته خود را بیان میکند
پس از انقضای چند دینک دیال من آمد، با نمان بطرف -
میهانته‌ای روان شدیم و قتیکه پهنل رسیدیم جمعی زبانی در آن
جا جمع بود موزیک می نواخت و همدی را در وسط سالن مشغول رقص
بودند.

دو سالیکه من دینک را از یازدهم بالا میفرستم تا گاه یسیکی از
دوستان دینک میخوردیم و میجویدم. هفدهم قدری توشک گنیم تا آنها با
هم تفریح بنمایند در این موقع که آنها مشغول صحبت بودند من به
اطراف سالن مینگرفتم تا گاه چشم بچوان جوان افتاد و دیدم او هم
این‌جا می‌کشد. در این لحظه دینک مرا صدا کرده گفت:
سلیا از این راه برویم. اسامان من حرفش گوش نداده همانطور که
پستاده بودم آن جوان را نگاه میکردم که بطرف ما میامد هر لحظه
که از نزدیکتر میشد ضربان قلب من سریع میگشت چیزی نگذشت
حس کردم او بلندی من ایستاده است تا گاه دینک با صدای بلند
گفت: او دوست عزیزم ژرژ. دینک دو حالیکه دست مرا گرفته بود
آن جوان را بین معرفی کرد و قتیکه مرا هم با معرفی نمود و
اسم مرا گفت از شنیدن اسم من آن جوان خوش آمد و گفت این
اسم مرا بنظر معانی هیچ میانه‌ازد. در این اثنا موزیک مشغول
تواختن شد ژرژ مرا برقی دعوت نمود من هم باهم دعوت او را
پذیرفتم.

در هنگام رقص ژرژ گفت: آیا خواب میبینی یا خفته‌است
و قتیکه این کلمات را داد که چندان آبی رنگش می‌درخشید و بغلی
خوشه‌گل بنظر می‌آمد. سپس گفت مثل اینکه من خنارا بلام دیده‌ام
آیا این طور نیست: که من حرف‌ها را اطلاع کرده‌گفت بل من خنارا
کمالا به خاطر میاورم. حیا هسان هفصی خندید که چند روز قبل از -
اتومبیل بلوطی رنگی بیاده‌دهد ژرژ خنارو گفت بلی صحیح‌است
و من اشتب خنارا با همان اتومبیل بپنزلان تو خواهش رساید.

شکام رقص ژرژ بین گفت چیدو خوش‌حاشوگم و دلر با عشید
قلب من در حالی که می‌میید فتمت آیا این حادثه شامه‌مروعه‌دختری
را می‌بینی این طور صحبت میکند: ولی در هیچ‌گفتن حس کردم که
با عیام برلرید و صدایم هم نهدی ارزان بود. ژرژ گفت نه این
طور که شما میگویید نیست من کمالا حقیقت را میگویم هسا اولین
دو هزباری شنیدم که من سینه‌ی دوست می‌بازم. آن رقص تمام شده

ما تا کنون برای کسانی که می‌شناختیم

و علاقه‌مندتیم چیس میدادیم روزنامه فرستادیم

در صورتیکه آقایی که با جمال روزنامه دریافت

داشتند: نامایل باشتر که نباشند باید روزنامه‌های

دریافتی را تا آخر فروردین عودت دهند ضمناً

از مشترکین هم تقاضا میشود وجوه اشتراک را

هرچه زودتر ارسال فرمایند.

از مالکین و کشاورزان

میگویند چرا ملکات آرد نیشود ویرا کشاورزی توسعه نیاید ؟ اگر ناکرآف ذرآره که از مهاباد رسیده مطالعه نماید یکی از اهل آن بی غواهی برود

نگرانی:

خا بجای مقدس بندگان اهلحضرت
هابونی هاشمیان (ارواحخانه) •
و نوشت مقام محترم بصحت وزیر
وقاوسی حضرت آملی ابوالقاسم سار
قاضی نایبده محترم مجلس خوراپلی •
و نوخت نامه کوهستان از مادته شهرپور
ماه ۲۰ به مد که این شهرستان خانه
قواء مجریه و نامیده گردیده عوضیت
این شهر : ن باغین هر کوه صنعت و
آلابادامه غل تله رو دو بربرهر-
کونه پیش آمده مقاومت نموده
پشور شرک ساسی بادوام هودام
خود را مصروف نمود و موایط و اجراء
احکام دولت علیه نموده و غواخته اند و
تمام مراحل وظائف مرجوعه را حلا به
التهات رسانده و خدمات خود را در انتظار
اولیاد محترم جلوه داده یکده مشرق افراد
سایر شهرستانهای کشور باشند و هودام
بالتطف و مراسم دولت امیدوار بوده ایم
ولی برهنگی انتظار سامویرین ادوات
توجه به این قسمت داشته سبل است که
از انجام خدمات تشویقی سبل نبوردند
امتیای قائل بوده اند باینه ناک اداره

و سائل سرری درضات و بیاس اهالی ان
سامان فراهم آورده و درخت حیوان
مقررات ملوق سادرا پامل نموده حتی
نایار منجر بدش داد شوهری تقاضات
حالیه کشور گردیده ارجینه ما لهیست
که اداره انحصار نشا رزی پاملان کنین
زارمین این شهرستان نموده

دازه انحصار کشاورزی موانعی که
احتیاج مبرم بنگه داشت بوسله آنگجهای
مد عالی بر سریردن تمهیدات غله
فهرت نمود مالکین و زارمین بر حسب وظیفه
الذودت آن اداره استقبال نمایان نموده
و برای سیردن تمهیدات بر بنیک بگر سبقت
می نمودند تمهیدین در اسرع اوقات با کسی
و سائل حمل و نقل (که امروزه اداره با بری
کشور نیز دچار آن مشکلاتست) بدون
کلیک آن اداره در امر حمل و نقل سانه
مدافعه که در سایر نقاط کشور با کشاورزان
نموده و بر آنکه بنام با بری و کرایه
مسامعت مالی کرده باشد شد و روز

برای اطلاع ستاد ارتش

سرتیب هوشمند افشار بجای اینکه اسامحه
از دست راهزنان بگیرد میخواهد اسلحه ای را
که دولت برای حفظ و حراست دهات بمالکین
داده و دارای جواز رسمی هستند جمع آوری کند
این عمل مثل این است که در شهر
پاسبانان را خلع سلاح نموده دزدان را بجان
مردم بیاندازند.

باز هم میگویند فرمانده لشکر کردستان
بی تجربه است!

انتظار داریم ستاد ارتش علت این عمل
را از سرتیب هوشمند افشار توضیح خواسته
و تا هر گه یکبار ایشان را از این پس برکنار می-
کند از این عملیات دستنچیده و زوداعت نمایند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشتراك سالانه ۲۰۰ ریال
تک شماره ۴ ریال

مقالات وارده مسترد نمیشود و اداره روزنامه در درج
ناح و اصلاحات ۲۰۴ آزاد است
محل اداره : خیابان پهلوی کشی شماره ۱۵۲۴
تلن شماره ۸۵۳۹
ساعات مراجعه هر روز صبح پانزدهی تا تعطیل
از ساعت ۹ تا ۱۲ بیانشه

که برای کوچکترین تسهیم ناچار باشه از امر کسب دستور
کنند جو مزاحمت مردم و ایجاد باسرو نامیدی وهم اعتماد نتیجه
دیگری نخواهد داشت.

از این جهت است که مانوجه اداره غله و نان را بقتضا
وارده فوق جلب نموده انتظار داریم به تهن این اشکال مقرراتی
و ارفع نمایند بلکه دستوروات جامس در این زمینه بپس صادر کنند
که این گونه اشکالات برای سالهای بعد هم فراهم نشود.

لازم است ذکر دهیم که یکی از
وسائل تشویق مالک و زارمین در ترویج و
بسط کشاورزی و تانین احتیاجات کشور
این است که هادلان با مردم رفتار هود
مقررات خشک و بی معالیه و مقرراتی که
باضرایب جنرالیی حمل آب و هوا و
بهد مسائلی غیره متاسفانه باشد جز فراهم
نمودن اشکوات گوناگون برای مردم و
ادارات دولتی من دیگری نخواهد بود
وامراری این مقررات از طرف سامویرینی